

همانا زبان عربی زبان قرآن و احادیث و دعاهاست و بسیاری از شاعران ایرانی از آن استفاده کرده اند و برخی از آنها ابیاتی را آمیخته به عربی سروده اند و آن را ملمع نامیده اند و بسیاری از شاعران ایرانی ملمعاتی دارند از جمله : حافظ شیرازی، سعدی شیرازی و جلال الدین رومی معروف به مولوی.

ملمع لسان الغیب حافظ شیرازی

نامه ای با دل خونین برای محبوبم نوشتم که من دنیا و روزگار را در دوری تو مانند قیامت دیدم .
از دوری او صدها نشانه در چشم دارم آیا اشک های این دو چشم من نشانه و علامت برایمان نیست؟
هرچه که تجربه کردم از جانب او فایده ای به من نرسید (وصال او ممکن نشد) هرکس آزموده را بیازماید پیشمانی نصیبش شود.
از طبیبی احوال محبوبم را پرسیدم ، گفت : در دوری و هجرانش رنج و عذاب و در نزدیکی اش سلامتی و آسایش است.
گفتم اگر زیاد به دوست مشغول شوم مورد سرزنش واقع می شوم به خدا سوگند که ما عشقی را بدون ملامت و سرزنش ندیده ایم .
حافظ ازاء دادن جان شیرین خواستار جامی شده است ، تا از آن (دادن جان) جامی از کرامت عشق بچشد.

ملمع سعدی شیرازی

(جای) آب انبارها را از سوارانی که در بیابان ها تشنه هستند پرس تو قدر و ارزش آب را چه می دانی وقتی در کنار آب فرات هستی .
شبهم با دیدن روی تو مثل روزست و چشم من با دیدن روی تو روشن می شود و اگر مرا ترک کنی شب و روزم مساوی است .
گرچه مدت زیادی انتظار کشیدم اما امیدم را از دست ندادم زمان گذشت و دلم می گوید که تو می آیی.

من انسانی به زیبایی تو نه دیده ام و نه شنیده ام اگر خمیر آفرینش تو از آب و گل است حقیقتا آغشته به آب زندگانی است .

شب های تاریک من به امید دیدن روی تو صبح می شود و گاهی چشمه حیات در تاریکی ها جستجو می شود. چقدر زندگی را تلخ می کنی در حالی که تو این همه شهد و شیرینی داری از دهان شیرین تو جواب تلخ شنیدن زیباست!

عاشق روی تو بودن برای ما فقط این پنج روزه عمر دنیا نیست اگر خاک قبرم را ببوی بوی عشق را از خاکم می یابی .

هر زیبا روی با نمکی را وصف کردم همانطوری که دوست داری و می پسندی ستایش های تو را چگونه بیان کنم که فراتر از وصف کردن هستی (چگونه تعریف تو گویم که فراتر از تعریف هستی؟) از تو می ترسم و به تو امید بسته ام و از تو کمک می خواهم و به تو نزدیکی می جویم هم هم دامگاه بلاهستی وهم کلید نجات هستی.

به دلخواهی و خواست دشمن از چشم دوست افتادم و بی ارزش شدم دوستانم مرا ترک کردند (از من جدا شدند) همان طور که دشمنانم می خواهند.

شگفتا شرح نامه جدایی سعدی در تو اثر نمی کند و اگر به نزد پرنندگان شکایت ببرم در لانه ها می گیرند و ناله سر می دهند.

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: خودت را آزمایش کن. صفحه ۲۲

کلمات ودعا زیر را ترجمه کن سپس اسم فاعل و اسم مفعول را مشخص کن.

يُقَرِّبُ: نزدیک می کند الْمُقَرَّبُ: نزدیک شده (اسم مفعول)

يَعْلَمُ: می داند الْعَالِمُ: دانا (اسم فاعل)

يَنْتِجُ: تولید می کند الْمُنْتِجُ: تولید کننده (اسم فاعل)

يُجَهِّزُ: آماده می کند الْمُجَهَّزُ: آماده شده (اسم مفعول)

يَضْرِبُ: می زند الْمَضْرُوبُ: زده شده (اسم مفعول)

يَنْكَلِمُ: سخن می گوید الْمُتَكَلِّمُ: گوینده (اسم فاعل)

یا صانع کل مصنوع یا خالق کل مخلوق یا رازق کل مرزوق یا مالک کل مملوک.
ای سازنده هر ساخته شده ای خلق کننده هر خلق شده ای روزی دهنده هر روزی داده شده ای دارنده هر داده شده .

إِخْتِبَرْنَفسَك: تَرْجِم التَّرَاكيب التَّالِيَةَ. ترجمه کن ترکیب های زیر را. صفحه 24

1. عَلَامُ الْغُيُوبِ. دانای غیب ها
2. أَمَارَةٌ بِالسُّوءِ. بسیار امرکننده به بدی
3. الطَّيَّارُ الْإِيرَانِيُّ: خلبان ایرانی
4. فَتَّاحَةُ الرُّجَاةِ: شیشه بازکن (دربازکن)
5. الْهَاتِفُ الْجَوَّالُ: تلفن همراه
6. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَيْثَمُ تَمَّارٍ: سلام بر تو ای میثم خرما فروش

التَّمَارِينُ: صفحه 25

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: تعیین کن جمله صحیح و غیر صحیح را بر حسب واقعیت!

1. گروهی از مسافران سوار بر چهارپا سفر می کنند. (ص)
2. شاخه های درختان در زمستان سبزوتازه است. (x)
3. غداة پایان روز است .وبدایة تاریکی شب. (x)
4. لیوان ظرفی است که با آن آب یا چای می نوشند. (ص)
5. نان از خمیر ساخته می شود. (ص)

تمرین الثانی: قرار بده در دایره عدد مناسب . (یک کلمه اضافه است.) (ص 25)

1. الْوُكُنَةُ. لانه بیث الطُّیور
2. الْكِرَامَةُ. (بزرگواری) شرفٌ وعظمةٌ وعزَّةٌ النَّفْسِ.
3. الْهَجْرُ (دوری) تَرْكُ الصَّدِيقِ أَوْ الْمُحِبِّ.
4. الرُّفَاتُ (استخوان پوسیده)

5. السَّوَارُ (دستبند) زينة من الذهب أو الفضة في يد المرأة.

6. المَلِيحُ. (بانمک) من يُعجبك شكله وكلامه وسلوكه.

التَّمرينُ الثالثُ: این احادیث را ترجمه کن سپس تعیین کن آنچه از تو خواسته شده.

1. پرهیز از دوستی با احمق پس بدرستی که می خواهد که به تو سود برساند پس به تو ضرر می رساند.

فعل مضارع: يريد و ينفع ويضُرُّ

2. دوست کسی است که نهی کننده از ظلم و دشمنی باشد و یاری دهنده بر نیکی و خوبی باشد.

جارو مجرور: عن الظلم - علی البرِّ.

3. پرهیز از دوستی با دروغگو پس بدرستی که او مانند سراب دور را به نزدیک می کند و نزدیک را به دور می کند.

اسم مبالغة: كذاب

4. دوست راستگو کسی است که تو را در مورد عیب نصیحت کند و در غیاب تو از تو محافظت کند و تو را بر خود برگزیند (ترجیح دهد).

فی عیبٍ - فی غیبٍ - علی نفسٍ

5. هرکس از دوستان سه بار بر تو خشمگین شود ولی در موردت بدی و سخن ناروایی نگوید پس او را برای خودت به دوستی بگیر.

فعل امر: اِتَّخِذْ

6. ای پسر کم هزار دوست بگیر که هزار دوست کم است و یک دشمن بگیر که یک دشمن [هم] زیاد است.

فعل نهی: لا تَتَّخِذْ

تمرین الرَّابِع: مترادف و متضاد هر کلمه را مقابلش بنویس.

الأحبة (دوستان) ≠ العداة (دشمنان)	كذاب (بسیار دروغگو) ≠ صدوق (بسیار راستگو)
العشيرة (شامگاه) ≠ العداة (بامداد)	بعَدَ (دور کرد) ≠ قَرَّبَ (نزدیک کرد)
ألفلاة (بیابان) = صحرا (بیابان)	مُساعد (یارِ یگر) = معین (یاری کننده)
أَلْحَبَّ (دوست داشتن) = الوُدَّ	إِنْتَحَبَ = آثَر (برگزید / انتخاب کرد).
السَّلم (صلح) ≠ الحرب (جنگ)	عداوة (دشمنی) ≠ مُصادقة (دوستی)
شاء = أرادَ (خواست)	أَجِبَ (جواب بده) ≠ سَلَّ (سوال کن).
المتجر = الدكان (مغازه)	قيمة = سعر (قیمت)
أَلْقُرْب (نزدیک) ≠ أَلْبُعْد (دور)	نَزَلَ (پایین آمد) ≠ رَفَعَ (بالا برد).
دنا (نزدیک شد) = قُرْب	مُختال = مُعجب بنفسه (خودپسند).

تمرین الخامس: تمرین پنجم ص 28

آیات زیر را ترجمه کن. سپس تعیین کن اسم فاعل ، اسم مفعول، اسم مبالغة، اسم مکان ، اسم تفضیل.

1. إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا. بدرستی که او یاری شده است. منصور = اسم مفعول

2. إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ. قطعاً فقط تو بسیار دانای غیب ها هستی . عَلَّام = اسم مبالغة

3. قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ. بگو مشرق و مغرب برای خداوند است. مشرق و مغرب اسم مکان

4. إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ. قطعاً خداوند توکل کنندگان را دوست دارد. مُتَوَكَّل: اسم فاعل

5. اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ. خداوند به آنچه انجام می دهید داناتر است. أَعْلَم = اسم تفضیل

6. مَنْ بَعَثْنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ.

چه کسی ما را از آرامگاهمان برانگیخت ؟ این است همان وعده خدای رحمان و پیامبران راست گفته اند.

مَرَقَد: اسم مکان مَرْسَلُونَ: اسم مفعول

التَّمرين السَّادس: افعال زیر را ترجمه کن .سپس باب هریک از آنها را تعیین کن.

1.أُنشِدْنَا:سرودیم باب: افعال

2. نَتَخَرَّجُ: فارغ التَّحْصِيل می شویم . باب: تَفَعُّل

3.يُدَافِعُونَ: دفاع می کنند.باب مُفَاعَلَة

5.تَعَامَلًا: باهم معامله کردند.باب تفاعل

7.عَلَّمَنِي: یاد بده .باب تفعیل

4.تَنْفَتِحُ: بازمی شوند. باب انفعال

6.يَسْتَخْدِمُ: به کاری گیرد.باب استفعال

8.أَشْتَغِلُ: کاری کنم .باب افتعال